

Received: 2024/10/09

Accepted: 2025/03/11

A Comparative Study of the Use of Color in Ferdowsi's *Shahnameh* and the Illustrations of Shah Tahmasp's *Shahnameh*

Mehdi Kazempour, Associate professor, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Davoud Saadat, Assistant professor, department of Architecture, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Mohammad Janbakhsh, Graduate of the Master's degree, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Abstract

The *Shahnameh* of Shah Tahmaspi, illustrated during the Safavid era, transforms Ferdowsi's *Shahnameh*—a 4th-century AH epic poem—into visual art. One of the significant questions in this field concerns the extent of the connection between Shah Tahmaspi's *Shahnameh* and Ferdowsi's original text. This research addresses the following questions: What are the uses and functions of color in Ferdowsi's *Shahnameh* and the illustrations of Shah Tahmaspi's *Shahnameh*? What similarities, harmonies, and differences exist between the colors used in the illustrations of Shah Tahmaspi's *Shahnameh* and those described in the text of Ferdowsi's *Shahnameh*? The findings of this study reveal that both Ferdowsi's *Shahnameh* and Shah Tahmaspi's *Shahnameh* utilize color to create mental imagery for the audience, enhancing their understanding of the events, especially in the epic narratives of Ferdowsi's work. This use of color stimulates the reader's emotions, fostering deeper engagement and attachment to the stories. Additionally, the study shows that color in Ferdowsi's *Shahnameh* serves a more symbolic function compared to its use in the illustrations of Shah Tahmaspi's *Shahnameh*.

Keywords: Ferdowsi's *Shahnameh*, color applied, poems, color analyses, Tahmasbi's *Shahnameh*, comparative study.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

مهدی کاظم پور^۱، داوود سعادت^۲، محمد جانبخش^۳

مطالعه تطبیقی کاربرد عنصر رنگ در متن شاهنامه فردوسی با نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی*

چکیده

شاهنامه شاه طهماسبی که در دوره صفویه مصور شده است، متن شاهنامه فردوسی را (که در قرن چهارم هجری شمسی سروده شده است) به تصویر تبدیل کرده است. در نگاره‌های این شاهنامه، سبک و الگوی نگارگری دوره صفوی رعایت شده و نوع پوشش و البسه افراد، منظره‌سازی‌ها و همچنین بناها، ویژگی‌های دوره صفوی دارند. به‌رغم فاصله زمانی هفتصد ساله (شاهنامه فردوسی و شاهنامه شاه طهماسبی)، در استفاده از وجه نمادین رنگ بین این دو اثر مشابهت‌های زیادی وجود دارد. یکی از پرسش‌های مهم در این زمینه، میزان ارتباط نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی با متن شاهنامه فردوسی است. پرسش‌هایی که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است به شرح زیر هستند: عنصر رنگ در متن شاهنامه و نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی چه کاربردها و کارکردهایی دارد؟ چه تناسب‌ها، هماهنگی‌ها و تفاوت‌هایی بین رنگ‌های به‌کار رفته در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی با متن نوشتاری شاهنامه وجود دارد؟ براساس این مطالعه مشخص شد که هم در شاهنامه فردوسی و هم در شاهنامه شاه طهماسبی از بیان رنگ‌ها برای تصویرسازی ذهنی مخاطب استفاده شده است تا بتوانند درک مخاطب را نسبت به اتفاقات داستان به ویژه در داستان‌های حماسی شاهنامه فردوسی بالا برده و احساسات خواننده را تحریک کرده و موجب ارتباط بهتر و دلبستگی بیشتر به داستان‌های شاهنامه شوند. همچنین مشخص شد که رنگ در متن شاهنامه فردوسی جنبه‌ای نمادین‌تری نسبت به نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی دارد.

واژگان کلیدی: شاهنامه فردوسی، کاربرد رنگ، اشعار، تحلیل رنگ، شاهنامه شاه طهماسبی، مطالعه تطبیقی

* این مقاله برگرفته از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد نویسنده سوم، محمد جانبخشی با عنوان «تحلیل عنصر رنگ در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی بر اساس متن شاهنامه فردوسی» به راهنمایی دکتر مهدی کاظم پور به عنوان استاد راهنما در دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز می‌باشد.

^۱ دانشیار، دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: m.kazempour@tabriziau.ac.ir

^۲ استادیار، گروه معماری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

۱- مقدمه

رنگ‌ها در هنرهای ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارند. فردوسی در کتاب شاهنامه، در صحنه آرای‌ها، به‌ویژه در توصیف رزم‌ها، سعی داشته بواسطه مفاهیم نمادین رنگ‌ها، صحنه‌سازی قابل درک‌تری را مطابق با فرهنگ، ادبیات شفاهی و همچنین باورهای عامیانه در ذهن مخاطب تداعی نماید. عنصر رنگ در شاهنامه فردوسی بیش از چهار هزار بار استفاده شده است که نمایانگر وجه توصیفات تجسمی بصری شاهنامه است که در آفرینش صور خیال و روایات توصیفی شاهنامه نقش زیادی داشته است (حسنلی و احمدیان، ۱۳۸۶: ۱۶۲). در شاهنامه شاه‌طهماسبی هم که متن شاهنامه به تصویر تبدیل شده از عنصر رنگ برای بیان و انتقال مفاهیم داستانی نگاره‌ها بهره برده شده است. شاهنامه فردوسی متعلق به قرن چهارم هجری و شاهنامه شاه‌طهماسبی متعلق به قرن یازدهم هجری می‌باشد بنابراین یک گسست زمانی هفتصد ساله بین متن و نگاره‌های مورد مطالعه وجود دارد. سبک ارائه نگاره‌ها در شاهنامه شاه‌طهماسبی از ویژگی‌های نگارگری صفوی پیروی کرده و نوع البسه، پوشش سر افراد و همچنین بناها و تجهیزات موجود در صحنه‌ها، الگوهای صفوی را به نمایش می‌گذارند. علیرغم همه این موارد، نگاره‌های این شاهنامه از وجه نمادین رنگ‌ها برای انتقال معانی بهره جسته است. بررسی عنصر رنگ در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی و تطبیق آن با متن اشعار شاهنامه جهت دست یافتن به تفاوت‌های معنایی بین این دو اثر و تبیین ارتباط بین آنها از جمله اهداف این پژوهش است. این پژوهش به مطالعه ماهیت رنگ در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی بر اساس توصیفات شاهنامه فردوسی پرداخته و ارتباط میان عنصر رنگ و چگونگی بهره‌مندی فردوسی از این عنصر، در متن شاهنامه تحلیل و بررسی شده است. به این منظور، براساس نمونه‌گیری غیراحتمالی، از میان ۵۰ نمونه، ۵ عدد از نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی انتخاب شد تا بتوان بصورت موردی ارتباط نگاره‌ها با متن شاهنامه در به‌کارگیری رنگ را مورد تطبیق قرار داد. پرسش‌هایی که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است: عنصر رنگ در متن شاهنامه و نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی چه کاربردها و کارکردهایی دارد؟ چه تناسب‌ها، هماهنگی‌ها و تفاوت‌هایی بین رنگ‌های به‌کار رفته در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی با متن نوشتاری شاهنامه وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع مورد مطالعه منابعی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله به شرح زیر در مبحث رنگ در نگارگری ایران بویژه نگارگری شاهنامه فردوسی موجود است که هرکدام به نحوی به بررسی موارد مختلف اندیشه‌های فرهنگی و معنوی در شاهنامه و نگارگری ایران پرداخته‌اند، که در این قسمت به برخی از آنها اشاره شده است. اما با جست‌وجو در تحقیقات انجام شده این نتیجه حاصل می‌شود که منابع موجود در زمینه رنگ در نگارگری به‌طورکلی چندان مبسوط نیست. از جمله مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است: مقاله‌ای است با عنوان کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی نوشته کاووس حسنلی و لیلیا احمدیان و به این موضوع پرداخته شده که عنصر رنگ از عناصر ویژه‌ای است که می‌توان از طریق شناخت ویژگی‌ها، خاصیت‌ها و تأثیرات آن، بسیاری از رموز را در شاهنامه فردوسی آشکار نمود و به رموزهای پنهان بسیاری از پدیده‌های آن دست یافت (حسنلی و احمدیان، ۱۳۸۶). در مقاله دیگری از همین محققان با عنوان بازنمود رنگ‌های سرخ، زرد، سبز و بنفش در شاهنامه فردوسی، در کنار اطلاعات کمی از کاربرد رنگ در شاهنامه فردوسی، به جلوه‌های نمادین از رنگ‌های پرکاربرد در شاهنامه فردوسی پرداخته شده است (حسنلی و احمدیان، ۱۳۸۷). پریسا شاد قزوینی در مقاله‌ای با عنوان: بررسی رنگ در پنج نگاره از شاهنامه شاه‌طهماسبی، به این نتیجه دست یافته است که در میان شاهنامه‌هایی که به دستور شاهان در ادوار مختلف تدوین شده‌اند، شاهنامه

شاه‌طهماسبی دارای اهمیت و ارزش هنری مهمی است. این اثر از آثار کمیاب به جای مانده از دوره صفوی است، دارای نگاره‌های بسیار پرکاری است که از غنای فرم، رنگ و ترکیب‌بندی برخوردار است. نگاره‌های این شاهنامه سیری از نحوه تکامل هنر نگارگری در دوره صفویه را ارائه می‌دهند (شادقزوینی، ۱۳۸۲). امیر فرید نیز با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان «رنگ در بی‌رنگی-بررسی و کاربرد رنگ و رنگ‌آمیزی در نگارگری سنتی ایران»، پژوهشی را براساس مشاهده خود در نگاره‌ها انجام داده است. نگارنده در این مقاله در کنار ذکر محدودیت‌هایی که نگارگران برای تولید رنگ داشته‌اند، به تاثیر فلسفه ایرانی-اسلامی بر نوع رنگ و کاربرد آن در نگارگری سنتی ایران پرداخته‌اند (فرید گلسفیدی، ۱۳۸۸). همچنین محمدعلی رجبی و رحیم خوش‌نظر در پژوهش خود با عنوان «نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی» گفته‌اند: در ایران دوران اسلامی همیشه تاثیر آرای حکما و عرفا بر آثار هنری قابل تشخیص است. مقاله به آرای حکمای اسلامی درباره رنگ و نور پرداخته و تاثیری که این آرا در حوزه‌های معماری و نگارگری به جا گذاشته‌اند اشاره می‌شود (رجبی و خوش‌نظر، ۱۳۸۸). مقاله «بررسی ارتباط رنگ با مضمون داستان‌های شاهنامه فردوسی با رویکرد تحلیل محتوا» نوشته محمود اشعاری و منیره آب‌دانانی (۱۳۹۸)، به بسامدهای رنگی در نگاره‌های شاهنامه فردوسی پرداخته و اشاره کرده است که به کارگیری رنگ در آثار ادبی با همه زمینه‌های ساختاری و بلاغی متن ادبی، ارتباط تام دارد. محسن مومن در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به رنگ‌آمیزی صحنه‌های حماسی در شاهنامه» (۱۳۹۶)، اشاره کرده است که در منظومه‌های حماسی، توصیف و صورت‌گری از عناصر طبیعت، پهنه‌های رزم و صحنه‌های بزم، حسی و مادی است، عنصر رنگ یکی از مهم‌ترین ارکان تصویرها می‌باشد، شاعر با استفاده از عنصر رنگ صحنه‌ها را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کند تا افق‌هایی روشن را برای مخاطبان ترسیم نماید. چون عنصر رنگ در قلمرو حس بینایی است، فردوسی با آگاهی از روانشناسی رنگ‌ها و باورهای فرهنگی مردم کاربرد رنگ را در صحنه‌های رزم و بزم و اجزاء طبیعت و جغرافیای مورد نظر، بسیار مادی و محسوس وصف کرده است به گونه‌ای که خواننده شاهنامه، خود را در متن رویدادها احساس می‌کند، یعنی فردوسی با خیال‌انگیزی شاعرانه، تجارب خود در کاربرد رنگ، پیام‌ها و مقاصد خویش را به زیبایی و رسایی به خواننده انتقال می‌دهد. به غیر از مقالات، کتاب‌هایی نیز در این خصوص نگارش یافته است. حسن بلخاری قه‌بی با نگارش کتابی تحت عنوان تجلی نور و رنگ در هنرهای ایرانی اسلامی به مبانی عرفانی نور و رنگ در هنر ایرانی پرداخته شده است. به نظر وی، نگارگری ایرانی نسبت ذاتی با معنا و فرم دارد. وی با دیدگاه معنایی نسبت به موضوع رنگ در هنرهای سنتی ایران، اشاره می‌کند که نور، رنگ و فرم در هنرهای سنتی ایران به واقعیت‌های عالم برون وفادار نمانده‌اند. جریان نور در ظهور شعاع‌های عمودی از آسمان، جریان یافتن معنایی را از عالم عرش به عالم فرش روایت می‌کند و نیز نگاه را از عالم فرش به بی‌نهایت عرش بالا می‌برد (بلخاری، ۱۳۹۴). در خصوص موضوع مورد پژوهش، پایان‌نامه‌هایی نیز نگارش یافته‌اند که به شرح زیر می‌باشند: خانم لیلا احمدیان نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی عنصر رنگ و جلوه‌های آن در شاهنامه فردوسی» کاربرد نمادین رنگ در شاهنامه را مورد بررسی قرار داده است. در این پایان‌نامه به غیر از اطلاعات کمی نسبت به کاربرد رنگ در شاهنامه فردوسی وجه نمادین آن نیز بررسی شده است (احمدیان، ۱۳۸۱). پایان‌نامه آذر جعفرزاده با موضوع «رنگ و شیوه‌های انعکاس آسمان نگارگری مکاتب شیراز و تبریز با مطالعه موردی دو نسخه خاوران‌نامه ترکمانان و شاهنامه شاه‌طهماسبی صفویه» (۱۳۹۲)، نیز با مقایسه تطبیقی این دو مکتب، کاربرد رنگ را در آنها مقایسه کرده است. مقایسه پژوهش حاضر با مطالعات پیشین این نکته آشکار می‌شود که این پژوهش به طور خاص، یک موضوع جدید است و قصد دارد بصورت تخصصی مفهوم و معنای صریح و ضمنی رنگ در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی را با توجه به متن شاهنامه مورد بررسی قرار دهد. همچنین این پژوهش در نظر دارد کاربرد نمادین عنصر رنگ در متن شاهنامه را با نگاره‌های شاهنامه

شاه طهماسبی مورد مقایسه قرار داده و تفاوت و تشابهات بین آنها را استخراج نماید که در نوع خود، پژوهشی جدید به حساب می‌آید.

۳- روش پژوهش

استراتژی تحقیق در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی است. این پژوهش، با توجه به ماهیت داده‌های مورد بررسی شده که مبتنی بر مطالعات فرهنگی و نگاه نمادشناسی است، در ردیف پژوهش‌های بنیادی و میان رشته‌ای قرار دارد. شیوه‌ی پژوهش کیفی و روش تحقیق نیز توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات به صورت اسنادی - کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است.

۴- مبانی نظری پژوهش

زمینه نمادین رنگ به محیط جغرافیایی، فرهنگی، حالات و خصایص روحی هر انسان بستگی دارد. لذا هر رنگی در محیط خاص، ممکن است یادآور موضوعی باشد و هر قومی ممکن است به مناسب اوضاع اقلیمی خود رنگی را بیشتر دوست بدارد و یا از رنگی نفرت داشته باشد (نیکوبخت و قاسم زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۳). عنصر رنگ همواره از دیرباز مورد توجه انسان بوده و در موارد مختلف کاربرد داشته است. رنگ در هنرهای مختلف از جمله نقاشی و نگارگری علاوه بر نمود زیبایی، مفاهیم حکمی و معنوی را به ذهن متبادر می‌سازد. تحقیق و جستجو درباره نمادهای رنگی موجب ادراک و تفکری واحد در معنای بصری می‌گردد. اولین خاصیت نمادین رنگ‌ها در فراگیری و جهان‌گستری آن است و بر حسب موقعیت جغرافیایی، کیهان‌شناسی و روانشناسی به تعبیر مختلفی تفسیر می‌شود؛ مثلاً سفید نشانه پاکی، قرمز نماد زندگی و تولد، سبز نماد نشاط و قداست است (گربان و شوالیه، ۱۳۸۵: ۳۴۳). از منظر حسین نصر، رنگ‌ها در هنر جنبه‌ای کیمیائی دارند و آمیختن آنها را با یکدیگر، مشابه به هنر کیمیایگری می‌داند. هر رنگ تمثیلی خاص خودش دارد و در رابطه با یکی از احوالات درونی انسان و روح است (کربن، ۱۴۰۲: ۵۶). در عرفان اسلامی نیز، رنگ با احوالات درونی سالک مرتبط است و در هر مرتبه، نوری خاص بر او نمایان می‌گردد. هفت محدوده رنگ (سفید، سیاه، آکر یا خاکی، سبز یا فیروزه‌ای، آبی یا لاجوردی و کبود، قرمز یا شنجرف و اخراپی، زرد) در هنر سنتی ایرانی تاثیرگذارترین و پرکاربردترین رنگ‌ها (عزیزمحمدی، ۱۴۰۰) هستند. این رنگ‌های سنتی از نظر عددی و کمیت، مشخصه درک نظام هستی بر پایه عدد کامل هفت هستند و در مطابقت با باورهای عرفانی، تفسیر متفاوتی از آنها شده است. برخلاف رنگ‌شناسی امروز که سفید، رنگ نیست و از آن در مبانی تجسمی به عنوان «رنگه» یاد کرده‌اند؛ ولی در هنر سنتی، سفید، رنگ و چه بسا مهم‌ترین رنگ محسوب می‌شود. سفید با بی‌رنگی خود نمایانگر پاکی و بی‌آلایشی، صداقت و صمیمیت درون، وارستگی و رستگاری و مهم‌تر از همه نمایانگر وحدت و ذات واحد است (نصیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴). سیاه نیز در مبانی تجسمی معاصر «رنگ» است. در تعریف سنتی، کثرت موجودات به مثابه رنگ‌ها از سفیدی تعین می‌یابند و بر این مبنا در سیاهی محو و فنا می‌شوند و به مقام «جمع» می‌رسند. در تفسیری دیگر، سیاه نماد صفات جلالی حق انگاشته می‌شود. تصفیه و تنزیه نفس و ترک ظواهر در عرفان ایرانی با دو رنگ سیاه و سفید (یزدانی، ۱۴۰۱) نمایانده می‌شوند (پوریایی و شایسته‌فر، ۱۳۹۹: ۹۲). آکر خاکستری رنگینی از ترکیب سه رنگ اصلی است که رنگی شبیه رنگ خاک دارد و نماد زمین و عالم حیات جسمانی است. این رنگ نماد کالبد انسانی و ماده در اثر هنری است. جسمیت و آرامی افقی‌ای که در این رنگ حضور دارد به آن کیفیتی انفعالی و مونث‌گونه داده است (نصیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۶). قرمز اخراپی دارای طبعی خشک و گرم و معادل عنصر آتش است. قرمز در هنر سنتی و عرفان به سرخ معروف است و از دید عرفایی چون سهروردی به واسطه کیفیت فاعلی و

هم‌زمانی دو کیفیت انبساطی و انقبادی که دارد، نماد روح و حیات حیوانی در حقیقت انسانی است. چرا که از دید شیخ اشراق، میان سیاه و سفید بی‌تعیین حق تنها یک رنگ است و آن سرخ! رنگ قرمز بیان‌گر نیروی زیستن، پیکار، نشان‌گر آرزو، قدرت اراده و حیات فعالانه کالبد و نفس انسانی است (یزدانی، ۱۴۰۱). علاوه بر این، رنگ قرمز نمایانگر قوا و لذات جسمانی، اشتها و نفسانی و هوس‌های زمینی است (خوش نظر و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۱). آبی طبیعی سرد و خشک دارد و به واسطه طبع و نه مشابهت رنگی، معادل عنصر خاک و زمین است. در عرفان ایرانی، رنگ آبی به سبب برتافتگی به سوی روشنی (عزیزمحمدی، ۱۴۰۰) «رنگ نیلی» نام می‌گیرد. رنگ آبی از نظر زمانی مبین پایان دور دایره نزول است. جنسیت مونث دارد و در درونی‌ترین لایه مراتب چهارگانه طبع قرار می‌گیرد تا معنایی ازلی از زمان گذشته را بیابد. آبی از نظر روانی، حسی از آرامش باطنی، تعلیق، بی‌کراستگی، خشنودی، صلح، ملاطفت، سکوت، سبکی، پاکی، عفت و درکل حسی روحی را در ذهن و روان تداعی می‌کند (رضانژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). زرد مکمل و متباین با رنگ آبی است و دارای طبعی گرم و تر است و معادل عنصر باد یا هوا قلمداد می‌شود. این رنگ نمادی از نفس ملهمه است که بالقوه فکور است. این رنگ جنسیت مذکر دارد و در لایه دوم مراتب چهارگانه طبع قرار می‌گیرد تا معنای ابدی «سیروت» (شدن) در زمان آینده را بیابد. رنگ زرد با کیفیت درخشنده خود نشان نور، هوش، روشنی و آگاهی است و از نظر روانی، حسی زوگذر از شادمانی و جاودانگی، حالتی تهدیدآمیز و همچنین میل به وسعت را در ادراک انسانی پدید می‌آورد (یزدانی، ۱۴۰۱؛ شریفی، ۱۳۹۳: ۱۷۱). سبز مکمل و متباین رنگ قرمز است و دارای طبعی متضاد با قرمز یعنی سرد و مرطوب و عادل عنصر آب است، بدین جهت سبز می‌تواند نمایشگر صفات متضاد باشد. این رنگ نماد «نفس مطمئنه انسان» آرمیده میان تمام نفوس چهارگانه قلمداد می‌شود. سبز جنسیت مونث دارد و در لایه سوم مراتب چهارگانه طبع قرار می‌گیرد. این رنگ معانی ای چون جاودانگی، نوزایی، ایمان، استقامت، رشد، منطق، تفکر و اراده را متداعی می‌سازد (ابوطالبی، ۱۳۷۲: ۶۳). به غیر از مفاهیم نمادین رنگ‌ها که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد، از تحلیل درون مایه متنی و تصویری نیز بهره جسته می‌شود. تحلیل درونمایه؛ یک درونمایه روانشناختی نه با واژه خاصی نشان داده می‌شود، و نه در قالب یک عبارت یا تک جمله به دست می‌آید. یک درونمایه به شکل استنتاج از دل قطعه‌ای از متن بیرون کشیده می‌شود. به منظور کشف تمام درونمایه‌ها، محقق باید تمام عبارات روایی را با ذهنی باز و سنجشگر بخواند و به دنبال اندیشه‌هایی باشد که به نظر چشمگیر، تکرار شونده، شگفت‌آور، یا به شکلی بالقوه آشکارکننده پویایی‌ها و مسایل روانشناختی اصلی هستند. در بافت اکتشاف، هر پژوهشگر شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد را برای کشف درونمایه‌ها به کار می‌گیرد اما در بیشتر موارد مطالعه اکتشافی در گزارشات روایی به روشی پیش می‌رود که در قالب روش‌شناسی بنیادین نظریه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که درونمایه‌هایی که محقق با خوانش‌هایش از متون استنتاج می‌نماید، خود در داده‌های متن بنیاد شده‌اند. همچنانکه خواننده در خواندن متن به پیش می‌رود، به طور متناوب متوجه بخش‌های پراهمیت و معنی‌دار می‌گردد، استنتاج‌های فرضی پویا در ذهن می‌پروراند، و رفته رفته مجموعه‌ای از درونمایه‌های یکپارچه را ایجاد می‌کند که در مورد متن روایت چیزی مهم و جالب بیان می‌کنند.

۵- شاهنامه و رنگ‌های ویژه در متن آن

رنگ، مؤثرترین وجه تصاویر حسی و توصیفات بصری-تجسمی شاهنامه است و به طور کلی در آفرینش صور خیال و روایات توصیفی شاهنامه نقش زیادی دارد؛ به خصوص اینکه در محدوده‌ی مجازهای زبان و بیان فردوسی و از جمله در بیان تصاویر تشبیهی پویا و زنده‌ی او بسیار مؤثر واقع شده است (وظیفه شناس، ۱۳۹۹: ضابطی جهرمی، ۱۳۷۸: ۲۲۳). در شاهنامه‌ی فردوسی ۴۱۹۷ بار واژه رنگ توجه شده است. از این تعداد

۳۲۶۷ مورد از نظر مفهومی بیانگر معنای رنگ است. ۲۷/۶۷ درصد از رنگ های به کار رفته در شاهنامه مربوط به رنگ های بی فام (سیاه، سپید، تاریک، روشن، تیره، درخشان و ابلق) و ۷۳/۳۲ درصد مربوط به رنگ واژه های فامی (سرخ، زرد، سبز، بنفش و...) است (حسنلی و احمدیان، ۱۳۸۶). در شاهنامه ی فردوسی ۴۱۹۷ بار عنصر رنگ توجه شده است که این رقم شامل خود واژه ی «رنگ» نیز می شود. مثلاً، واژه ی «روشن» گاهی به معنای سپید و روشنایی روز است و گاهی در ترکیبی چون «روشن روان» به معنی بیداری و خرد آمده است، یا واژه ی «رنگ» گاه معنای «رنگین» و «رنگارنگ» می دهد و «گاه به معنای نیرنگ و فریب» است. واژه های رنگی شامل رنگ های سپید، سیاه، تاریک، تیره، روشن، درخشان، زرد، سبز، سرخ، نیلگون، لاژورد، کبود، لاژورد، ابلق، زرین، پشت پلنگ، بنفش، پیروزه و.... همچنین در برخی موارد برای بیان رنگ از نام اشیای پیرامون یا جواهرات و چیزهای قیمتی چون لعل، بیجاده، زبرجد، یاقوت، آبنوس، سندروس، کافور، مشک، فندق، قار، طبرخون، زعفران، عقیق، گلستان، دیبا و ... استفاده می شود. (لازمی، ۱۴۰۱) فردوسی رنگ را نه برای این که رنگ را به کار برد بلکه برای انتقال حس و بیان تصاویر به کار برده است (جدول ۱).

جدول ۱: ویژگی های کاربردی رنگ در شاهنامه فردوسی (نگارندگان)

منبع	اشعار شاهنامه	ویژگی های رنگ
	دریده درفش و نگون سار کوس رخ نامداران به رنگ آبنوس	رنگ در معنای واقعی و بدون مفهوم نمادین یا استعاره
رستم و سهراب، بیت ۵۳۹	بر رستم آمد پر از رنگ و بوی بپرسید و بنشست نزدیک اوی	کاربرد واژه ی رنگ در شاهنامه در معنای حيله و دستان
رستم و سهراب، بیت ۲۱۹۵	ز هر گونه رنگ اندر آمیختی دل شاه ترکان برانگیختی	حامل معنای توطئه
رستم و سهراب، بیت ۱۵۶۰	در آن شارستان کرد چندان درنگ که آتشکده گشت با بوی و رنگ	رونق یافتن
بیت ۶۷۱	ابا پیل گردنکش و رنگ و بوی ز خاور به ایران نهادند روی پادشاهی فریدون	در معنی عظمت و شکوه
داستان سیاوش، بیت ۱۲۹۶	چو آمد به ترمذ درون بام و کوی به سان بهاران پر از رنگ و بوی	در معنای سرسبزی و آبادانی و رویش گیاهان در فصل بهار
داستان رستم با خاقان چین، بیت ۱۵۵۷ داستان سیاوش، بیت ۱۹۰۰	زمانی چو آهرمن آید به جنگ زمانی عروسی پر از بوی و رنگ هزار اشتر بختی و سرخ موی بنه برنهادند با رنگ و بوی	زینت، مال و ثروت و در برخی مواقع حامل معنای تاج و افسر می باشد

۶- مفهوم نمادین رنگ ها در شاهنامه

یکی از ویژگی های شاهنامه استفاده از مفهوم نمادین رنگ برای بیان اتفاقات است. در این بخش سعی شده است رنگ هایی که بیش ترین کاربرد در شاهنامه را داشته انتخاب و مفاهیم نمادین آنها بررسی شود.

الف) رنگ سپید: در رمزشناسی رنگ ها، رنگ مینوی و جاودانگی است. هرگاه سپید با رنگ زرین پیوسته شود، سپندینگی افزون تری خواهد یافت. در شاهنامه ۳۰۴ بار واژه ی سپید به کار رفته است که ۲۸ بار آن برای برآمدن خورشید و ماه است و ۲۵ بار دیگر درباره ی روشن شدن زمین. ۱۱۴ بار نیز برای نشان دادن زیبایی است. از این میان ۹۴ نمونه برای توصیف زیبایی زنان، ۱۳ نمونه برای وصف پادشاهان و ۸ بار نیز برای

توصیف پهلوانان است. اما نکته اینجاست که در همه ی این نمونه ها، هیچگاه از خود واژه ی سپید نام برده نشده است. بلکه به جای آن واژه هایی چون: روزگون، ماهروی، ماه چهر، سیمین بر و... به کار رفته است. با این همه در یک نمونه، سپید بارمعنایی منفی دارد؛ و آن در نام «دیو سپید» است. هرچند تن این دیو نیز هم چون قیر، سیاه است. رنگ سپید به صورت «اسپید»، «اسفید»، «سفید» و یا «سپی» در ادبیات دیده می شود. «دیو سپید» مازنداران، همان دیوی است که رستم بکشت و در متون فارسی (نظم)، به دفعات آمده است. در استفاده و ترکیبات ادبی، اطلاق «چشم سفید» به معنی بیهوشی، بیماری و پرروئی، «کف سفید» به معنی بخشنده و «زمین سفید» به کنایه از زمین خالی از آبادانی و روز روشن استفاده شده است (مرادی، ۱۳۹۱):

هشیوار با جامه های سپید لبی پر ز خنده دلی پر امید (فردوسی)
شما را سوی من گشاده راست را به روز سپید و شبان سیاه (فردوسی)

ب) رنگ بنفش: رنگ بنفش هیجان انگیز است و به رفتار انسان تندی و شتاب می بخشد. در شاهنامه و در صحنه های نبرد، رنگ درفش بسیاری از جنگجویان، بنفش است: نمونه ی آن، درفش بنفش رستم است که بر زمینه ی آن تصویر اژدها نقش شده است. در روانشناسی رنگ ها، بنفش، رنگ پویایی است و اضطراب را می کاهد. همین ویژگی های روانشناسی، نشان می دهد که چرا رنگ بنفش را برای درفش رستم انتخاب کرده اند (کریمی، ۱۳۹۲). در شاهنامه ۸۹ بار واژه ی بنفش آمده است. گاه از واژه ی بنفش برای برآمدن یا فرورفتن خورشید بهره برده شده است. بنفش گاه برای آبی کبود و یا نیلگون نیز به کار رفته است.

ج) رنگ سبز: رنگ سبز در هیچکدام از صحنه ها و کارزارهای شاهنامه دیده نمی شود: سبز نشانه ی بردباری و نرمش است و رنگ ساکن و ایستایی شمرده می شود که هیچ پیوندی با جنگ و نبرد رزم آوران ندارد. از اینرو فردوسی آگاهانه این رنگ را برای صحنه های رزمی به کار نمی برد (کریمی، ۱۳۹۲). البته در شاهنامه ۶۴ بار واژه ی سبز آورده شده که به توصیف چمن، درخت، طبیعت و مانند آن است. ۲۰ بار نیز برای بازگویی تندرستی و شادکامی و دیرزیوی به کار رفته است؛ که هیچ کدام پیوندی با جنگ و کارزار ندارند. سراپرده ی رستم نیز سبز است. چون او مایه ی سرافرازی و خرمی ایران است. رنگ سبز در ادبیات و وصف طبیعت جایگاه ویژه دارد و این رنگ ملهم از برگ درختان و رنگ طبیعت است. ترکیبات و مفاهیم به کار رفته در اشعار شاهنامه فردوسی، برای مفاهیم: شادابی، سرسبزی، تازه بودن و سلامت بودن است:

کجا شد زمین سبز آب روان چنان چون بود جای مرد جوان (فردوسی)
بدان تا تو پیروز باشی و شاد سرت سبز بادا دلت پر ز درد (فردوسی)
سرت سبز باد و دلت شادمان تن پاک دور از بد بدگمان (فردوسی)
سرش سبز باد و تنش بی گزند منش بر گذشته ز چرخ بلند (فردوسی)

د) رنگ زرد: در روان شناسی رنگ ها، نشانه ی آرامش و رهاشدن از سختی هاست. علاوه بر اینکه رنگی عاطفی است امیدبخش هم هست (کریمی، ۱۳۹۲). رنگ خورشید شاهنامه از جنس دیبا و یاقوت زرد (زبرجد) است. از این رو، گرم و گیرا و برانگیزاننده است:

چو خورشید با رنگ دیبای زرد ستم کرده بر توده ی الزورد (فردوسی)

۳۱۳، بار واژه ی زرد در شاهنامه دیده می شود. رنگ اشک در این کتاب، زرد است (میرزاخانی، ۱۳۹۰):

همی ریخت از دیدگان آب زرد همی از جهان آفرین یاد کرد (فردوسی)

رنگ زرد، الهامی از زر یا طلا، لیمو و یا زعفرانی و غیره است. رنگ زرد در ادبیات برای ترس، بیماری و ناتوانی و اشک به کار رفته است:

پدید آمد آنگاه باریک و زرد چو پشت کسی که غم عشق خورد (فردوسی)
 چو بشنید گشتاسب شد پر ز درد ز میگان بیارید خواب زرد (فردوسی)
 بیارید از دیدگان آب زرد دلش گشت پرتاب و جان پر ز درد (فردوسی)
 لب موبدان خشک و رخساره زرد زبان پر ز گفتار و دل پر ز درد (فردوسی)

ه) رنگ سیاه: ۶۶۸ بار رنگ سیاه در شاهنامه به کار رفته است که ۴۸۵ با آن با واژه‌ی سیاه و نمونه‌های دیگری چون: آبنوس، قیر، قار، دیزه، شبرنگ، شبگون و... است. واژه‌ی تیره ۴۴۳ بار و واژه‌ی تاریک ۵۲ بار در شاهنامه آورده شده است. فردوسی بیش از ۸۰ بار از واژه‌ی سیاه برای نشان دادن انبوهی لشکر بهره برده است. در اسطوره و باور ایرانی، سیاه رنگ اهریمن و نیروهای آن است. همچنین رمز دروغ و پلیدی شناخته می‌شود. از اینرو همه‌ی دیوهای شاهنامه به رنگ سیاه اند. اژدها و مارها نیز رنگ سیاه دارند. همانند دو ماری که از دوش ضحاک سر برآوردند. فردوسی هنگام توصیف چهره‌های منفی و اهریمنی شاهنامه، از رنگ سیاه سود می‌جوید. ابزارهای آنها هم به رنگ سیاه و تیره است. در شاهنامه ۳۵ بار از درفش سیاه نام برده شده است که به جز ۴ نمونه، همه‌ی نمونه‌های دیگر درفش دشمنان ایران اند. سیاه گاه نماد قدرت و شکوه دانسته شده است، خرگاه، سراپرده، مهد و چتر برخی از پادشاهان و وابستگان آنها، به رنگ سیاه است. همانند سراپرده‌ی توس، یزدگرد سوم و بارگاه کیخسرو. در این نمونه‌ها سیاه رنگ مثبت است. اگر سیاه در کنار رنگ زرد به کار برده شود، برای نشان دادن خطر و مرگ و هشدار است. از این رو، هنگامی که سیاوش می‌خواهد تورانیان را هشدار بدهد که اگر او را بکشند، ایرانیان به خونخواهی خواهند آمد، رنگ سیاه را به درفش کاویانی ایرانیان (درفشی که رنگ آن سرخ و زرد و بنفش است) می‌افزاید:

بسی سرخ و زرد و سیاه و بنفش از ایران به توران ببینی درفش (فردوسی)

همه پادشاهان شاهنامه اسب سیاه دارند، که نماد قدرت و شکوه شاهانه است (اسب سیاوش، خسرو پرویز و اسفندیار). در جریان انتقال قدرت از اشکانیان به ساسانیان، اردشیر بابکان (بنیانگذار این سلسله)، اسب سیاه را با خود می‌برد و این بردن اسب سیاه نشانه‌ای از انتقال قدرت از اشکانیان به ساسانیان به شمار می‌آید. همچنین هنگامی که بهرام چوبین از خسرو پرویز سرپیچی می‌کند و در فکر گرفتن تاج و تخت است، رنگ سیاه در اسب او نمود پیدا می‌کند و اسبش ابلق (سپید و سیاه) و حمایلش سیاه توصیف (مریدی، ۱۳۸۹) می‌شود. (و) رنگ سرخ: سرخ نشان دهنده‌ی نیرو و کشش است و گرمی و هیجان روحی پدید می‌آورد. از دیگر ویژگی‌های آن نیروی بدنی، سلامتی، پایداری و پشتکار است. در شاهنامه بارها به رنگ سرخ اشاره شده است و تکرار شونده‌ی آن فراوان است. علاوه بر اینکه، رنگ سرخ نمادی از شکوه شاهی است، نمودی از عشق هم هست. از اینرو رنگ پیشکش‌های داستان عاشقانه‌ی «زال و رودابه» همگی سرخ است. همچنین فردوسی بیش از ۱۲۰ بار رنگ سرخ را برای توصیف زیبایی و سلامت جسم و روح به کار برده است. به دلیل عامل تحریک‌کنندگی آن، ۸۰ بار نیز از این رنگ برای توصیف میدان جنگ سود جسته است. اما ویژگی منفی هم دارد: سرخ، رنگ گستاخی و خشونت هم هست.

ز) آبی و نیلی: رنگ آبی، ملهم از رنگ آب‌های عمیق و کلمه آب است. ترکیب‌های آن عبارت‌اند از: آبی آسمانی، آبی نیلی، نیلگون، آبی فیروزه‌ای و آبی کبود (مرادی، ۱۳۹۱):

چو شد چادر چرخ پیروزه رنگ سپاه تباک اندر آمد به جنگ (فردوسی)

همه جام‌ها کرده پیروزه رنگ دو چشمان پر از خون و رخ باده رنگ (فردوسی)

به دلیل ماهیت حماسی شاهنامه از این رنگ کمتر در متن شاهنامه استفاده شده است ولی در نگاره‌های شاهنامه طهماسبی از این رنگ برای سراپرده‌ها، لباس افراد و همچنین نشان دادن ابر و آسمان بهره زیادی

گرفته شده است. در شاهنامه فردوسی، برای بیان روحيات و افکار انسان از رنگ‌ها، استفاده شده است، در این بخش به برخی از این موارد اشاره می‌شود (جدول ۲):

جدول ۲: ویژگی‌های رنگ در شاهنامه فردوسی (نگارندگان)

کاربرد نمادین رنگ‌ها در متن شاهنامه	اشعار	منبع
مکر و حيله و ترفند و فريب و افسون	چو داند که تنگ اندر آمد نشيب به کار آورد بند و رنگ و فريب	شاهنامه، (داستان خاقان چين، ج، ۴، ۵۵۷)*
لطافت، رونق، صفا، شادابی، طراوت، شان، شوکت، اعتبار، عزت، اوضاع، احوال	بسی برنیامد بر این روزگار که رنگ اندر آمد به خرم بهار	شاهنامه، (خسرو با افراسیاب، ج، ۵، ۸۲۸).
در کاربرد هنری، به عنوان یکی از ادات تشبيه و همانندی	همه جامه‌ها کرده پیروزه رنگ دو چشم، ابر خنوبن و رخ، بادرنگ	شاهنامه، (کیومرث، ج، ۱۲۱).
شادی، شرم، حیا، ترس، اضطراب	چو رستم به رخس اندر آورد پای رخس رنگ بر جای و دل هم به جای دل شاه کاووس پُر درد شد نهان داشت رنگ رخس زرد شد	شاهنامه، (پادشاهی کیکاووس و رفتن او به مازندران، ج، ۲، ۱۹۵). شاهنامه، (سیاوش، ج، ۳، ۳۵۵).
رنگ از روی بردن: ترسانیدن، باعث بیم و هراس شدن	بدان خنده اندر بیفشرد چنگ ببردش رگ از دست و از روی رنگ	شاهنامه، (پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران، ج، ۲، ۲۱۱).
رنگ برآوردن: رنگ آمیختن و درآمیختن. نیرنگ ساختن. مکر و حيله به کاربردن	برآورد خرنده هرگونه رنگ پرستنده بنشست با می به چنگ	شاهنامه، پادشاهی (اشکانیان، ج، ۷، ۱۲۵)
رنگ بر جای بودن رخ: خوش و سرحال بودن	چو رستم به رخس اندر آورد پای رخس رنگ بر جای و دل هم، به جای	شاهنامه، (پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران، ج، ۲، ۱۹۵)
رنگ بردن از چیزی: از رنگ بردن چیزی، بی اثر گرداندن آن	همه بند و نیرنگ از رنگ برد دلآرام بگرفت و گاهت سپرد	شاهنامه، (ضحاک، ج، ۴۲۱)
رنگ بردن از روی: وحشت و هراس پدیدآوردن، بیمناک ساختن	بدان خنده اندر بیفشرد چنگ ببردش رگ از دست و از روی، رنگ	شاهنامه، (پادشاهی کی کاووس و رفتن او به مازندران، ج، ۲، ۲۱۱)
رنگ رخ، ناپدیدگشتن: رنگ باختن از خشم یا بیم	زمانی نگه کرد و نیکو بدید همی گشت رنگ رخس، ناپدید	شاهنامه، (داستان سیاوش، ج، ۳، ۳۷۸)
رنگ رنگ: رنگ به رنگ، به رنگ‌های گوناگون، به الوان مختلف، گوناگون، متنوع	همان خیمه و دیبه رنگ رنگ همه تخت پرمایه، زرین پلنگ به هنگامه بازگشتن ز جنگ که روی زمین کرده بُد رنگ رنگ	شاهنامه، (سهراب، ج، ۲، ۲۸۳) شاهنامه، (پادشاهی گشتاسب، ج، ۶، ۹۰۷)
رنگ‌سازی: حيله گری، نیرنگ‌سازی، فريب‌کاری، مکاری	نباید که ایمن شوی زو به جنگ که در رنگ سازی بود بی درنگ	شاهنامه، (پادشاهی اردشیر، ج، ۷، ۱۲۲۱)
رنگ و آب پراکنده شدن از جایی: سعادت و خرمی و رونق از آنجا رفتن. بی صفا و خرمی شدن	که نوشین روان دیده بود این به خواب کزین تخت بپراگند رنگ و آب	شاهنامه، (پادشاهی یزدگرد، ج، ۹، ۱۸۷۴)
رنگ و بوی: شان و شوکت، کز و فره جالل و جمال، اعتبار و شکوه، زیبایی و وجاهت	سه دیگر چو رودابه ماه روی یکی سرو سیم است با رنگ و بوی شخودند روی و بکندند موی گسستند پیرایه و رنگ و بوی	شاهنامه، (منوچهر، ج، ۱۰۱۱) شاهنامه، (جنگ بزرگ کی خسرو با افراسیاب، ج، ۵، ۸۴۸)

کاربرد نمادین رنگ‌ها در متن شاهنامه	اشعار	منبع
رنگ و بوی شدن: بیرونق و اعتبارشدن، شکوه و عظمت را از دست دادن	بگفت آن که ما را چه آمد به روی وزین پادشاهی بشد، رنگ و بوی	شاهنامه، (پادشاهی یزدگرد، ج ۹، ۱۸۷۳)
رنگ و بوی از کاری شدن: از رونق افتادن و بی اعتبارشدن.	برستم آمد یکی چاره جوی که امروز ازین رزم شد، رنگ و بوی	شاهنامه، (داستان سیاوش، ج ۳، ۳۹۰)
رنگ و بوی پراکنده شدن: بیصفا و خرمی شدن. سعادت و خرمی و رونق از آن جا رفتن	ز ایران پراکنده شد، رنگ و بوی سراسر به ویرانی آورد، روی	شاهنامه، (داستان سیاوش، ج ۳، ۴۰۲) 53
رنگ و بوی دادن به کاری: سر و سامان دادن به کار. به آیین و وضع صحیح بازآوردن آن کار	شد آیین گشسب اندر آن چاره جوی که آن کار را چون دهد، رنگ و بوی	شاهنامه، (پادشاهی هرمزد، ج ۸، ۱۶۶۶)
رنگ و بوی گرفتن سخن: پراکنده و آشکار شدن سخن.	مکن یاد ازین هیچ و باکس مگوی نباید که گیرد سخن، رنگ و بوی	شاهنامه، (داستان سیاوش، ج ۳، ۳۰۱)
رنگین: ملون، رنگی، خرم، شاداب، پررونق، باصفا و زیبا. برای بیان رنگ های زیبا و متعدد چهره و... به کار می رود	چو پژمرده شد روی رنگین تو نگر دگر گرد بالین تو	شاهنامه، (داستان فریدون، ج ۱، ۵۸)
بیرنگ: رنگ باخته، رنگ پریده، افسرده	ز بیماری او غمی شد سپاه چوبی رنگ دیدند رخسار شاه	شاهنامه، (پادشاهی اسکندر، ج ۷، ۱۱۷۲)
بی جلوه، بی رونق. بدون زیب و زینت و زیور	از ایرانیان هر که بُد نامجوی پیاده برفتند بی رنگ و بوی	شاهنامه، (جنگ بزرگ کی خسرو با افراسیاب، ج ۵، ۸۲۹)
بیرنگ داشتن چهره کسی: رنگ پریده و ترسان و افسرده کردن. به درد و اندوه گرفتار ساختن، ترسانیدن.	تو با دشمننت، رو پُرآزنگ دار بداندیش را چهره بی رنگ دار	شاهنامه، (پادشاهی اورمزد، ج ۷، ۱۲۴۲)
بیرنگ شدن رخ کسی: رنگ پریده شدن، رنگ باختن، افسرده گشتن، دگرگون شدن، دگرگون کردن، رنگ باختن	رخ شاه برگاه بی رنگ شد ز تیمار بیژن، دلش تنگ شد به قیصر بر از کین، جهان تنگ شد رخ نامدارانش، بی رنگ شد	شاهنامه، (بیژن و منیژه، ج ۵، ۶۲۲) شاهنامه، پادشاهی همای (چهرزاد، ج ۶، ۱۰۷۴)
بیرنگ شدن کار: کنایه از بی رونق شدن و کاسد و ناروا شدن آن	به خانه درآی ار جهان تنگ شد همه کار بی برگ و بی رنگ شد	شاهنامه، (پادشاهی بهرام گور، ج ۷، ۱۳۲۰)
خوب رنگ: خوش رنگ	خرامید تارزمگاه سپاه نشسته بران خوب رنگ سپاه	شاهنامه، (پادشاهی گشتاسب، ج ۶، ۹۱۵)
دورنگ: آن که یا آن چه دارای دو رنگ است	چه گویم که این بچه دیو چیست پلنگ دورنگ است یا خود پری است	شاهنامه، (منوچهر، ج ۱، ۸۵)
نکورنگ: خوش رنگ، خوب رنگ.	نکورنگ اسپان با سیم و زر به استام ها در نشاندۀ گهر	شاهنامه، (پادشاهی گشتاسب، ج ۶، ۸۹۵)
هم رنگ: دو چیز که در رنگی واحد مشترک باشند	یکی ابر دارم به چنگ اندرون که هم رنگ آب است و بارانش، خون	شاهنامه، (پادشاهی گرشاسب، ج ۲، ۱۷۰)

۷- رنگ و شباهت‌ها و تفاوت‌های نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی با متن شاهنامه

۷-۱- نگاره سهراب و گردآفرید

در این نگاره صحنه رزم در مقابل یک کاخ ایواندار که در دورن باغ قرار دارد اتفاق افتاده است. آوردگاه در یک مکانی فراخ تپه مانند هست که در یک سوی آن کاخ و در سوی دیگر آن لشکریان با آلات جنگی صف کشیده‌اند. رنگ‌هایی که برای نشان دادن طبیعت و عناصر آن به کار رفته‌اند حالتی غیرواقعی دارند ولی در نشان دادن انسان‌ها، حمایل‌های جنگی و نوع البسه واقع نگاری اتفاق افتاده است. همچنین در این تصویر برای نشان دادن جایگاه اجتماعی افراد نیز از رنگ و مفهوم نمادین آن بهره گرفته شده است. در طرف راست صحنه سهراب با حمایل جنگی سوار بر اسب خاکستری (قیرآت) هست و در مقابل او گردآفرید بر اسب کهر (نارنجی رنگ) سوار شده است.

صحنه‌سازی‌های این تصویر در وجه نمادین رنگ، با متن شاهنامه تا حدودی همخوانی داشته ولی در مواردی ارتباط معکوس وجود دارد. در متن شعر برای سهراب، از اسب سمند (زرد رنگ) نام برده اما اسب مدنظر در تصویر شاهنامه شاه طهماسبی خاکستری تیره است. دژ سپید در شعر نامبرده شده که در این نگاره به غیر از استفاده از رنگ سفید برای نشان دادن درون ساختمان، در اسیر جاهای آن این رنگ دیده نمی‌شود. در این نگاره دژ کاملاً به رنگ متعارف خشت و آجر است. در این تصویر تمرکز بر روی ساز و کارها به جای تمرکز بر روی مردمان و رفتارهایشان است (افشار، ۱۳۹۲). ساختار دژ همان ساز و کار در این تحلیل بوده و بر روی رنگ اسب تمرکز و دقت واقع گرایانه‌ای صورت نگرفته است. در نگاره اندرون بناها با رنگ سفید نشان داده شده است که به دو منظور بوده است. اولی، به واقع گرایی نگارگری ایرانی مربوط می‌شود که داخل خانه‌ها را به دلیل داشتن آرایش گچ‌بری سفید نشان داده است دوم اینکه به منظور ایجاد پس‌زمینه روشن در نگارگری بوده است تا نقش انسان‌ها و سایر عناصر به صورتی تیره تر نمایانده شوند. به دلیل اینکه قلعه و کاخ‌های پادشاهان در داخل باغی محصور می‌شده است نگارگر با رنگ‌های بنفش، سبز، آبی (نشانگر باغ) در مقابل رنگ سفید اطراف (بایر بودن) تضاد ایجاد کرده است. نشان دادن آسمان به رنگ بنفش یکی از روش‌های نگارگران ایرانی بوده و در این نگاره نیز رعایت شده است. بیتی از شعر شاهنامه فردوسی در خصوص این واقعه که در آن رنگ به کار رفته است:

چنان ننگش آمد ز کار هجیر که شد لاله رنگش به کردار قیر (فردوسی)

چهره گردآفرین لاله رنگ توصیف شده که مفهومی نمادین دارد. رنگ لاله یا همان سرخگون در ادبیات عامیانه نشانه سلامتی و شادابی هست که در اینجا به دلیل شدت عصبانیت قیرمانند (سیاه) می‌شود. در نگاره نیز چهره هر دو مبارز متمایل به سرخی هست که با متن شاهنامه مطابقت دارد. برای اسب‌ها از رنگ‌های سیاه^۱ (قیر آت)، اسب کهر (قهوه ای - سرخ)، کرند (زرد رنگ)، سمند (اسب زردرنگ و تندرو) و اسب سفید (چرمه)^۲ استفاده شده است. برای شخصی^۳ که از داخل قلعه نظاره‌گر واقعه است از اسب سیاه استفاده شده که نشان از جایگاه بالای او می‌باشد. برای گردآفرین اسب سمند و برای سهراب اسب خاکستری انتخاب شده است. در این شعر صحنه رزم به خوبی نمایش داده شده است. بنابراین نگارگر، توجه ویژه‌ای به اشعار شاهنامه داشته و در انتخاب و استفاده از رنگ‌ها توصیفات متنی از وقایع را مدنظر داشته است (تصویر ۱).



تصویر ۱: رزم سهراب و گردآفرید (راست پور، ۱۴۰۲: ۳۲).

در ابعاد ۲۰۲ در ۱۴۶ میلی متر

محل نگهداری: UK-Manchester-John Rylands University Library of Manchester

۷-۲- نگاره گرفتارشدن سرخه بر دست فرامرز

در این نگاره نیز آوردگاه به صورتی مرتفع نشان داده شده که در دور سوی آن سپاهیان با اسب‌ها و حمایل‌های جنگی رسم شده‌اند. مشابه با نمونه قبلی (تصویر ۱) در این نگاره نیز از وجه نمادین رنگ برای نشان دادن عناصر طبیعت از قبیل زمینف درختان و آسمان بهره گرفته شده است. در سمت راست سپاهیان فرامرز با فرماندهی ایشان پیروزمندان ایستاده‌اند و برانبوه کشته‌شدگان و دست بسته سرخه نظاره‌گر هستند. در این شعر صحنه رزم به خوبی تصویرسازی شده است. در این نگاره نیز اسب فرامرز متمایز از دیگران است که نمایش دهنده برتری است و مهم‌تر از همه رنگ سرخ پیراهن وی که در شعر نیز گفته شده و در این نگاره هم به همان شکل به نمایش درآمده است. ابیاتی از شاهنامه فردوسی در تصویرسازی این واقعه، که در آن از رنگ برای توصیف وقایع سود برده شده است:

بفرمود تا حمله کردند شاه	چو موج روان و چو آب سیاه
یکی خلعت افکند در دشت جنگ	زمین را زخون، چادر لعل رنگ
زخون، دسته‌گزر، مرجان شده	جهانی از آن زخم، بی جان شده
زخون کرده چون چادر سرخ، دشت	چنان شد که پیرامنش زار گشت
همه ایستادند بالای او	سپر بود خاک سیه جای او (فردوسی)

در اینجا رنگ سیاه نمادی از عمق زیاد آب است که لشکر را به دلیل فراوانی به آبی عمیق و روان توصیف کرده است. چادرها به رنگ لعل توصیف شده‌اند که نشان از فاخر بودنشان است. در این نگاره دشت با رنگ بنفش کم‌رنگ نشان داده شده و رنگ آسمان هم مثل بقیه نگاره‌ها به صورت بنفش درآمده است. آرایش

نظامی دو لشکر جنگی به دلیل کثرت جنگاوران مشابه تشبیهات شاهنامه هست و همچنین رنگ خون کشته شده ها هم دشت را به رنگ سرخ تبدیل کرده است (تصویر ۲).



تصویر ۲: گرفتار شدن سرخه بر دست فرامرز (دزفولیان و شاکری، ۱۳۸۹: ۳).

در ابعاد: ۱۸۸ در ۱۲۶ میلی متر

محل نگهداری: USA, Baltimore The Walters Art Museum

۷-۳- نگاره گذر سپاه از روی برف

در این نگاره سعی شده احتیاط سپاه و اسبها در گذر از منطقه مدنظر نمایان شود. فیروزه ای نمایان کردن پوشش برفی سطح زمین، تلاشی برای نشان دادن آب شدن برفها در نتیجه آتش بوده است. همچنین در انتهای شعر صحبت از آتش شده که نگارگر سعی کرده آن را نیز در تصویر بگنجانند. آشفته‌گی و چهارچوب شکنی در تصویر و همزمانی آتش سوزان و برف و بوران همراهی عشق و کینه و آتش انتقام را تداعی می‌کند. مشابه با نگاره های قبلی، زمین بایر اطراف سپاه مجدد با رنگ سفید نشان داده شده که در برخی از نقاط آن لکه های رنگی کرمی دیده می‌شود. در این نگاره نیز زمین بنفش کمرنگ تصویر شده و به دلیل روشنی هوا، آبی کم رنگ برای آسمان انتخاب شده است. وجود شکوفه و سبزی بر روی درختان در تقابل با فصل سرد سال هست ولی در برخی موارد رنگ آبی کیود روی درختان وجود یخ بر روی درختان را در ذهن تداعی می‌کند. در این نگاره نیز اسبها در رنگ های گوناگون هستند و افراد بلند مرتبه دارای اسب سیاه هست (تصویر ۳).



تصویر ۳: نگاره گذر سپاه از روی برف (جعفری و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۹۰) در ابعاد: ۱۹۸ در ۱۳۰ میلی متر
محل نگهداری: Italy- Naples. Biblioteca Nazionale

۴-۷- موی سلم

این تصویر که مربوط به سخن گفتن فریدون با ایرج و تصمیم ایرج برای رفتن به پیش است، در حقیقت تلاش در جهت دادن انگیزه به ایرج است. این شعر در ذیل ارائه شده است:

سخن سلم پیوند کرد از نخست ز شرم پدر دیدگان را بهشت
فرستاده را گفت ره برنورد نباید که یابد ترا باد و گرد
چو آبی به کاخ فریدون فرود نخستین ز هر دو پسر ده درود
پس آنگه بگوش که ترس خدای ببايد که باشد به هر دو سرای
جوان را بود روز پیری امید نگردد سیه موی گشته سپید
چه سازی درنگ اندرین جای تنگ که شد تنگ بر تو سرای درنگ
جهان مرا داد یزدان پاک ز تابنده خورشید تا تیره خاک
همه برزو ساختی رسم و راه نکردی به فرمان یزدان نگاه
نجستی به جز کژی و کاستی نکردی به بخشش درون راستی (فردوسی)

در این شعر از تبدیل شدن موی سیاه به سفید اشاره شده که اشاره به چرخ روزگار و پیر شدن جوان‌ها شده است. نگاره شاهنامه شاه طهماسبی نیز به خوبی با آن هماهنگ است: فریدون با بیان در پیش بودن پیری، ایرج را تحریک می‌کند تا از فرصت جوانی استفاده کند و نگارگر به خوبی از رنگ‌ها استفاده کرده تا تقابل جوانی و پیری را نمایش بدهد. در این نگاره، زندگی افراد یا فرد مورد نظر از جوانی تا پیری به تصویر کشیده شده است. لباس فریدون بر خلاف نگاره‌های رزمی پیشین به رنگ آبی (نیلی) هست که سکون، آرامش، خرد و دانایی را تداعی می‌کند. افراد حاضر در سمت راست تصویر افراد جنگی سلاح به دستی هستند که رنگ لباس آنها آگاهانه رزمی انتخاب شده و در مقابل افرادی با وسایل پذیرایی و سرگرمی در سمت چپ نگاره جزو دربانان هستند. در این نگاره استفاده از رنگ زرد (طلایی) نسبت به رنگ‌های دیگر بیشتر بوده است که با سنت شرقی به معنی خرد و دانش ارتباط دارد (تصویر ۴).



تصویر ۴: موی سلم (جعفری و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۸۰). در ابعاد: ۱۷۷ در ۱۷۰ میلی متر
محل نگهداری: USA-Philadelphia- Free Library of Philadelphia

۷-۵- کوفتن کرسی بر سر ایرج

مرگ ایرج، از طریق کوفتن کرسی زر توسط تور بر سرش و سپس کشتن او با خنجر صورت می پذیرد.

زمانه نخواهم به آزارتان	اگر دورمانم ز دیدارتان
جز از کهتری نیست آیین من	مباد آز و گردن کشی دین من
چو بشنید تور از برادر چنین	به ابرو ز خشم اندر آورد چین
نیامدش گفتار ایرج پسند	نبد راستی نزد او ارجمند
به کرسی به خشم اندر آورد پای	همی گفت و برجست هزمان ز جای
یکایک برآمد ز جای نشست	گرفت آن گران کرسی زر به دست
بزد بر سر خسرو تاجدار	از او خواست ایرج به جان زینهار (فردوسی)

در این نگاره مطابق با اشعار فردوسی، سعی شده است نه تنها مردم در زندگی روزمره به تصویر کشیده شوند بلکه رنگ های مورد استفاده نیز رنگ های شادی هستند. گروه دیگری از افراد خارج از خیمه نیز بدون اطلاع از واقعه پیش رو، در حال گفت وگو و فعالیت روزمره هستند. رنگ درون و بیرون سراپرده نیز یکسان گرفته شده و به رنگ لاجوردین است.^۴ در این نگاره لباس های افراد نیز متفاوت از صحنه های رزمی انتخاب شده و رنگ های شاد و آبی در اکثریت می باشد. رنگ آسمان بر خلاف نگاره های قبلی به رنگ طلایی می باشد که نشان از تابش آفتاب و به وقت ظهر می باشد. کرسی به رنگ طلایی نمایان شده و لباس ایرج نیز به رنگ سرخ می باشد که نمایانگر ویژگی های جنگی وی می باشد. در این نگاره، نشان دادن گل ها و گیاهان و سبزی اطراف خیمه، واقع گرایی بیشتری نسبت به سایر نگاره های شاهنامه طهماسبی دارد (تصویر ۵).



تصویر ۵: کوفتن کرسی بر سر ایرج (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱۵). در ابعاد: ۲۱۷ در ۱۲۵ میلی متر
محل نگهداری: UK-St Andrews, University of St Andrews Library

۸- تطبیق رنگ‌های به‌کار رفته در متن تصویری شاهنامه شاه طهماسبی با متن ادبی شاهنامه فردوسی

شاه اسماعیل پس از تأسیس کتابخانه‌ی سلطنتی تبریز و ایجاد کارگاه‌های آن تصمیم به تهیه‌ی نسخه نفیس از شاهنامه‌ی فردوسی گرفت، که فاخرتر از شاهنامه‌های پیش از خود (شاهنامه‌ی بزرگ مغولی و شاهنامه‌ی بایسنقری) باشد. نسخه‌ی شاهنامه به خط نستعلیق دارای ۷۵۸ ورق کاغذ در قطع سلطانی بزرگ و با ۲۵۸ مجلس نقاشی، روایت‌های حماسی شاهنامه را به نمایش می‌گذارد. هنرمندانی که در مصورسازی این شاهنامه مشارکت داشته‌اند در زمره‌ی بزرگ‌ترین نقاشان عصر صفوی به شمار می‌آیند. در دوران مصورسازی این نسخه مدیریت کارگاه سلطنتی بر عهده سلطان محمد بوده که تأثیر زیادی در خلق طراحی‌ها، نگاره‌ها، خوشنویسی و تذهیب‌های کتاب (صارمی، ۱۴۰۱) داشته است (شادقزوینی، ۱۳۸۲: ۱۷ و ۱۸). سبک نگارگری نگاره‌های این شاهنامه و همچنین نحوه نشان دادن اشیاء، البسه، منظره‌سازی و همچنین بناها و خیمه‌ها مطابق با الگوی دوره صفوی بوده ولی در مفاهیم نمادین رنگ‌ها و موضوعات از شاهنامه فردوسی که متعلق به هفتصد سال پیش از آن می‌باشد الگو گرفته شده است. برخی از عناصر در نگاره‌ها به دلیل نوع رنگ، حس شادی و هیجان را به مخاطب القاء می‌کنند که در تضاد با وضعیت سیاسی پراشوب قرن چهارم هجری که شاهنامه فردوسی در آن بافت سروده شده است، می‌باشد. در شاهنامه طهماسبی تعداد زیاد پیکره‌ها در صحنه‌های بزمی و رزمی نوعی هیجان و حرکت را در دید مخاطب می‌آورد. رنگ‌ها و طرز قرارگیری آنها در نگاره‌های بزمی در شاهنامه طهماسبی از نظام خاصی پیروی می‌کنند که منطبق با اصول جاری در مکتب نگارگری تبریز دوره صفوی و ترفندهای شخصی نگارگر است. رنگ‌ها و حتی ترکیب بندی‌ها در هریک از نگاره‌ها بر موضوع داستان منطبق است. نگارگر نهایت سنجیدگی را در گروه‌بندی‌ها و تنظیم سطوح رنگی، حتی توجه به ریزه کاری در رنگ‌ها را داشته است. به لحاظ معناشناسی رنگ‌ها و کاربرد آن در متن شاهنامه و نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی، شاهنامه از رنگ استفاده بیشتری داشته و برای بیان مفاهیم از آن بهره زیادی جسته است. هر کدام از رنگ‌ها نماینده حالات خاصی از افراد در طول مرادوات و همچنین میدانگاه بوده است و فردوسی به‌خوبی از آن برای نشان دادن حالات انسانی، وضعیت روحی و جسمانی افراد و همچنین سلسله مراتب اجتماعی بهره برده است. در مقابل نگاره‌های شاهنامه طهماسبی به‌رغم وفادار مانده به ویژگی‌های

رنگی مذکور در شاهنامه برای بیان برخی از حالات و مفاهیم از رنگ‌های دیگری بهره جسته و این به بافت متفاوت خلق شاهنامه که دوره صفوی بوده مرتبط است. از جمله مشابهت‌های بین این دو متن، مشابهت در به‌کارگیری رنگ سفید، سیاه، سرخ، بنفش، زرد (طلایی)، سبز و همچنین آبی (نیلی، کبود و لاجوردی) می‌باشد. این رنگ‌ها در معنای نمادین در هر دو متن به صورت یکسان بهره گرفته شده‌اند ولی در نگاره‌ها در برخی موارد هنرمندان برای نشان دادن برخی از صحنه‌ها از ویژگی‌های واقع‌گرایی رنگ برای نشان دادن صحنه‌های مختلف بهره جسته‌اند. در این دو متن، هرکدام از رنگ‌ها از لحاظ معناشناسی، معنای خاص خود را دارند. مثلاً، آبی لاجوردی معنای الهی و آسمانی داشته و نشانه‌ای از تقدس است، سپید روشنایی و بخت سفید، سیاه، اقتدار، قدرت و کثرت است، رنگ طلایی نشانه‌ای از خورشید و نمادی از الوهیت است، رنگ زرد در شاهنامه بیشتر برای بیان جنبه‌های منفی حالات روحی ولی در نگاره‌های شاهنامه به عنوان نماد خرد و دانایی کاربرد داشته است. رنگ سرخ در هر دو متن و تصویر نمادی از سرخوشی، خشم و نشانه‌ای از اوضاع به سامان پادشاهی بوده است. سبز نیز به عنوان نمادی از خرد و دانش در تصویر و به عنوان سبزی و خرمی در شاهنامه به کار برده شده است (جدول ۳).

جدول ۳: مطالعه تطبیقی رنگ در متن شاهنامه با نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی (نگارنده)

رنگ‌ها	ویژگی نمادین رنگ	کاربرد در متن شاهنامه	کاربرد در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی
رنگ بنفش	هیجان‌انگیز است، به رفتار انسان تندی و شتاب می‌بخشد	بیشترین استفاده آن برای برآمدن یا فرو رفتن خورشید بهره برده شده است. در شاهنامه رنگ درفش بسیاری از جنگجویان، بنفش است ^۵	در نگاره‌های شاهنامه از این رنگ برای نشان دادن آسمان، از نوع کم‌رنگ آن برای نشان دادن دشت و همچنین فضاهای اطراف کاخ‌ها و خیمه‌ها استفاده شده است.
رنگ سپید	رنگ مینوی و جاودانگی است. هرگاه سپید با رنگ زرین پیوسته شود، سپندینگی افزون‌تری خواهد یافت	در شاهنامه برای برآمدن خورشید و ماه، روشن شدن زمین. نشان دادن زیبایی (برای توصیف زیبایی زنان)، برای وصف پادشاهان و نیز برای توصیف پهلوانان است. بارمعنایی منفی «دیو سپید» است. ^۶ زمین سفید به کنایه از زمین خالی از آبادانی و روز روشن به کار رفته است.	رنگ سفید در نگاره‌ها بری نشان دادن اسب، کلاه افراد عالی رتبه، زمین‌های بایر اطراف آوردگاه و قلاع و کاخ‌ها، اندرون بناها و ابر استفاده شده است.
رنگ سبز	سبز نشانه‌ی بردباری و نرمش است و رنگ ساکن و ایستایی شمرده می‌شود که هیچ پیوندی با جنگ و نبرد و چالاک‌ی رزم‌آوران ندارد.	در هیچ‌کدام از ابزارها و کارزارهای شاهنامه دیده نمی‌شود. به توصیف چمن، درخت، طبیعت و مانند آن است. برای بازگویی تندرستی و شادکامی و دیرزیوی. سراپرده‌ی رستم نیز سبز است. ترکیبات و مفاهیم به‌کار رفته در اشعار برای شادابی، سرسبزی، تر و تازه بودن، سلامت بودن و شادی است. ^۷	در نگاره‌ها استفاده از رنگ سبز بسیار محدود می‌باشد. برای ساز و برگ اسب‌ها و جنگجویان، گنبد و کنگره‌های بناها، به صورت خیلی محدود در درختان و زمین. در یکی از نگاره‌ها لباس فریدون سبز کم رنگ هست که مرتبط با فرزاندگی وی هست.

رنگ‌ها	ویژگی نمادین رنگ	کاربرد در متن شاهنامه	کاربرد در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی
رنگ زرد	رنگی عاطفی است که امیدبخش هم هست. رنگ خورشید شاهنامه است. گرم و گیرا و برانگیزاننده است	رنگ اشک در شاهنامه، زرد است. ^۸ برای ترس، بیماری و ناتوانی و اشک به کار رفته است. ^۹	در نگاره‌های شاهنامه، در صحنه‌های غیررزمی زیاد استفاده شده و با مفهوم دانش و خرد در ارتباط است. رنگ زرد بیشتر در نشان دادن لباس افراد کاربرد داشته است.
رنگ سیاه	در اسطوره و باور ایرانی، سیاه رنگ اهریمن و نیروهای آن است. هم چنین رمز دروغ و پلیدی شناخته می‌شود.	رنگ سیاه با واژه ی سیاه و نمونه‌های دیگری چون: آنوس، قیر، قار، دیزه، شیرنگ، شبگون و... است. برای نشان دادن انبوهی لشکر، همه‌ی دیوهای شاهنامه به رنگ سیاه‌اند، همچنین ازدها و مارها نیز رنگ سیاه دارند. هنگام توصیف چهره‌های منفی و اهریمنی. ابزارهای آنها هم به رنگ سیاه و تیره است. در شاهنامه از درفش سیاه نام برده شده است. ^{۱۰} سیاه گاه نماد قدرت و شکوه خرگاه و سرپرده و مهد و جتر برخی از پادشاهان و وابستگان آنها، به رنگ سیاه است. رنگ برخی از اسب‌های شاهنامه نیز سیاه است که نشان از توانایی و قدرت آنها دارد.	برخی لباس افراد عالی‌رتبه، رنگ اسب افراد مهم از جمله شاه. رنگ پرچم در صحنه‌های رزمی، رنگ لباس برخی از افراد در صحنه‌های سوگواره
رنگ سرخ	سرخ نشان دهنده‌ی نیرو و کشش است و گرمی و هیجان روحی پدید می‌آورد. از دیگر ویژگی‌های آن نیروی بدنی، پایداری و پشتکار است. افزون بر اینکه دم و بازدم را افزایش می‌دهد. اما یک سوپیه ی منفی هم دارد: سرخ، رنگ گستاخی و خشونت هم هست	سرخ نمودی از عشق، رنگ پیشکش‌های داستان عاشقانه، برای توصیف زیبایی، برای توصیف میدان جنگ.	رنگ رخی پرچم‌ها در صحنه‌های نبرد، لباس رزم، لباس برخی افراد، کلاه قزلباشی، رنگ برخی سپرها، انعکاس نور روی زمین و ابرها، تزیینات داخل چادر و بناها، برخی گل‌ها و درختان
آبی و نیلی	رنگ آبی، ملهم از رنگ‌های آب‌های عمیق و کلمه آب است	ترکیب‌های آن عبارت‌اند از: آبی آسمانی، آبی نیلی، نیلگون، آبی فیروزه‌ای و آبی کبود ^{۱۱}	در برخی جاهای زمین به عنوان پوشش گیاهی، داخل اندرون، لباس برخی جنگجویان و افراد سرشناس، زین و برگ اسب‌ها، نشان دادن سرما، ابرها، تزیینات داخل چادر و بناها، کف برخی کاخ‌ها

۹- نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد تا دو سوال اصلی زیر مورد آزمون قرار گیرند: عنصر رنگ در متن شاهنامه و نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی چه کاربردها و کارکردهایی دارد؟ چه تناسب‌ها، هماهنگی‌ها و تفاوت‌هایی بین

رنگ‌های به‌کار رفته در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی با متن نوشتاری شاهنامه وجود دارد؟ رنگ، از عناصر مهم دیداری است که در طی تاریخ در بازنمود باورهای آدمی نقش اساسی داشته است. هنرمندان با بهره‌گیری از ویژگی رنگ‌ها، برای بیان خواسته‌های درونی خویش از زبان رنگ‌ها رازهای خود را باز گفته‌اند. هنرمندان دوره اسلامی هم برای نشان دادن عناصر معنوی و عرفانی در کنار استفاده از نقشمایه‌های نمادین از رنگ نیز برای بیان بهتر اندیشه‌های خود سود جسته‌اند. به غیر از معماری و شعر که بیشترین وجه نمادین هنر اسلامی در آنها نمود یافته است نگارگری نیز به دلیل همنشین شدن با عنصر رنگ از وجه نمادین آن بهره زیادی برده است. فردوسی به دلیل ورود به دنیای حماسی با دنیایی از احساسات هیجانی، حزن، اندوه، شکست، پیروزی، ترس، شادی و... مواجه هست که با زبان واقع‌گرایانه امکان بیان آنها وجود ندارد. به همین دلیل است که شاهنامه از ویژگی‌های نمادین رنگ بهره جسته و برای نشان دادن حالت‌های مختلف انسانی و حتی عناصر طبیعت رنگ‌های متنوعی را وارد صحنه نموده است. در بیان شاعرانه فردوسی رنگ‌ها و وجه نمادین آنها در بیان تصاویر تشبیه‌ی و استعاری پویا بسیار مؤثر واقع شده است. واژه‌های رنگی استفاده شده برای بیان حالت‌های انسانی، ویژگی‌های مفهومی، مضامین، نشان دادن اوقات روز، کثرت و... را شامل می‌شود و رنگ‌های سپید، سیاه، تاریک، روشن، زرد، سبز، سرخ، نیلگون، کبود، لاژورد، ابلق، زرین، پشت پلنگ، بنفش، پیروزه جزو پرکاربردترین واژه‌های رنگی هستند. در برخی موارد برای بیان رنگ از نام اشیای پیرامون یا جواهرات همچون لعل، بیجاده، زبرجد یا قوت، آبنوس، سندروس کافور، مشک، فندق قار، طبرخون، زعفران، عقیق، گلستان دیبا و... استفاده شده است. در شاهنامه فردوسی ۴۱۹۷ بار عنصر رنگ استفاده شده که شاعر برای صحنه‌سازی مطابق با مضامین، از رنگ‌ها بهره برده است. استفاده از رنگ‌های سفید و سیاه نسبت به سایر رنگ‌ها کاربرد بیشتری دارد چراکه مضمون شاهنامه کشمکش بین نیروهای شر (سیاهی) و خیر (سپیدی) است. به غیر از آن از رنگ سیاه برای بیان حالات، نشان دادن کثرت و همچنین بزرگی استفاده شده است. رنگ‌های دیگر همچون لاجوردی برای سپیده دم و به وقت غروب و رنگ زرد برای بیان حالات انسانی از جمله غم، ترس و بیماری و همچنین دانش به‌کار رفته است. رنگ سرخ علاوه بر اینکه در جنبه شادابی و سلامتی بوده، برای بیان حالات خشم و به غیر از آن برای بیان میان شدت درگیری‌های نظامی نیز کاربرد دارد. از رنگ‌های سبز و آبی زیاد استفاده نشده است چراکه این رنگ‌ها سکون و آرامش را القا می‌کنند و بیشتر برای البسه و صحنه‌های اطراف خمیه و قلاع کاربرد دارند. استفاده از رنگ در شاهنامه، مؤثرترین و برجسته‌ترین وجه توصیفات بصری- تجسمی شاهنامه است و در آفرینش صور خیال و روایات توصیفی شاهنامه نقش بارزی دارد. شاهنامه شاه‌طهماسبی نیز یکی از نفیس‌ترین مجموعه‌های نقاشی ایران است که در دوره صفوی نگارش و مصور شده است. در این اثر نیز همچون شاهنامه فردوسی، ویژگی‌های نمادین رنگ‌ها عواملی هستند که در نگاره‌های آن بدان‌ها توجه شده است. در نگاره شاهنامه شاه‌طهماسبی نیز این امر پیروی شده است و هنرمندان برای بیان و صحنه‌سازی‌ها از وجه نمادین رنگ‌ها بهره جسته‌اند. نگارگران از رنگ‌های مختلفی برای تاثیرگذاری بر مخاطب و انتقال مفاهیم و احساسات استفاده کرده‌اند. در صحنه‌های رزم و در بحبوحه آن برای نشان دادن کشتار و غم از رنگ‌های سرد نه تنها برای آسمان بلکه زمین و عناصر موجود در آن استفاده کرده‌اند. انتخاب رنگ بنفش یا به عبارتی لاجوردین تیره برای آسمان و آوردگاه استعاره‌ای از اشعار شاعران حماسی برای گرفتن روی خورشید به دلیل کثرت کشته شدگان و چکاچک شمشیر است. علاوه بر آن استفاده از رنگ سرخ برای نشان دادن عظمت، شکوه و همچنین صحنه‌های رزمی از ویژگی‌های دیگر نگاره‌های شاهنامه است. در کنار آنها در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی رنگ‌های طلایی و زمینه نقوش که اغلب رنگ‌های متنوع آبی، سبز، قرمز، سورمه‌ای، نارنجی و سیاه دارند نشانی از آرامش و سکون را به نمایش می‌گذارند. در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی بسیاری از

موارد هنرمندان از ویژگی‌های طبیعی رنگ‌ها برای نشان دادن صحنه‌های مختلف نگاره‌ها استفاده کرده‌اند بدون اینکه به جنبه نمادین آن توجه شود. در یک نتیجه‌گیری کلی و مقایسه‌ای این‌گونه باید بیان کرد که در نگاره‌ها، بر خلاف متن شاهنامه از رنگ سفید بسیار محدود استفاده شده و به غیر از نشان دادن تزئینات داخل کاخ‌ها، پوشش سر افراد، زمین‌های بایر اطراف خیمه‌ها و کاخ‌ها و رنگ اسب برخی از افراد استفاده نشده است. یکی دیگر از وجوه تمایز بین این دو اثر، کاربرد رنگ سیاه است که همچون رنگ سفید در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی کاربرد بسیار کمی دارد و به غیر از نشان پرچم‌ها و رنگ اسب‌های افراد عالی‌رتبه کاربرد دیگری نداشته‌اند. رنگ سرخ نیز جزو رنگی‌های غالب در اشعار شاهنامه فردوسی هست که در نگاره‌های شاهنامه طهماسبی کاربرد زیادی نداشته است. در مقابل آنها، رنگ‌های بنفش و لاجوردین جزو رنگ‌های غالب در نگاره‌ها هستند و برای نشان دادن آوردگاه، زمین‌های محدوده خیمه‌ها و کاخ‌ها و همچنین آسمان کاربرد داشته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. کزازی در مورد سیاهی و شبرنگی اسب قهرمانان داستان‌ها می‌نویسد:
در روزگاران گذشته، اسب سیاه ارج و ارزشی ویژه داشته است و آن را خجسته و بشگون می‌دانسته‌اند و «روزیمند». از آن است که باره‌ی نامبردار خسرو پرویز نیز شبرنگی بوده است «شبدیز» نام. شهریار ساسانی این اسب را آن چنان گرامی می‌داشته‌است که کسی را زهره‌ی آن نبوده است که وی را از مرگ آن بیاگاهاند. اسفندیار نیز، آنگاه که بهمن را به زابلستان گسیل می‌دارد، از آن روی که می‌خواهد شکوه بسیار خویش را به رخ سگزیان بکشد، بهمن را می‌فرماید بر اسبی سیاه بنشیند.
بفرمود اسب سیه زین کنید
به بالای او زین زرین کنید
در بیت زیر شبرنگی و سیاهی اسب سیاوش نشانه‌ی نژادگی و ارزمنندی اوست.
یکی تازی بر نشسته سیاه
همی گرد نعلش بر آمد به ماه (نامه‌ی باستان، ج ۳، داستان سیاوش) (کزازی، ۱۳۸۰: ۲۷۲)
۲. بیفگند بر گستوان و بتاخت به گرد سپه چرمه اندر نِشاخت
۳. اسب فرامرز متمایز از دیگران است که نمایش دهنده برتری فرامرز نسبت به دیگر سربازان عادی است.
۴. سرپرده‌ی کاووس کی هفت رنگ است و خیمه‌ی طوس، سیاه. رنگ سرپرده‌ی گودرز سرخ است و سرپرده‌ی رستم یا همان مثال پهلوان چینی به رنگ سبز است. از رنگ خیمه‌ی گیو سخنی به میان نرفته است. سرپرده‌ی فریبرز سپید ترسیم شده است و خیمه‌ی گراز نیز مانند سرپرده‌ی گودرز با رنگ سرخ توصیف شده است.
۵. یک نمونه‌ی آن، درفش بنفش رستم است که بر زمینه‌ی آن پیکر اژدها نقش شده است.
۶. دیو سپید مازنداران، همان دیوی است که رستم به مازندارانش کشت و در متون فارسی به خصوص نظم، به کرات آمده است
۷. کجا شد زمین سبز آب روان چنان چون بود جای مرد جوان (فردوسی)
بدان تا تو پیروز باشی و شاد سرت سبز بادا دلت پر ز درد (فردوسی)
سرت سبز باد و دلت شادمان تن پاک دور از بد بدگمان (فردوسی)
سرش سبز باد و تنش بی‌گزند منش بر گذشته ز چرخ بلند (فردوسی)
۸. چو خورشید با رنگ دیبای زرد ستم کرده بر توده‌ی الزورد
همی ریخت از دیدگان آب زرد همی از جهان آفرین یاد کرد.
۹. چو بشنید گشتاسب شد پر ز درد ز مرگان بیارید خوناب زرد (فردوسی)
بیارید از دیدگان آب زرد دلش گشت پر تاب و جان پر ز درد (فردوسی)
لب موبدان خشک و رخساره زرد زبان پر ز گفتار و دل پر ز درد (فردوسی)
پدید آمد آنگاه باریک و زرد چو پشت کسی که غم عشق خورد (فردوسی)
۱۰. هنگامی که سیاوش می‌خواهد توانیان را هشدار بدهد که اگر او را بکشند، ایرانیان به خونخواهی خواهند آمد، رنگ سیاه را به درفش کاویانی ایرانیان (درفشی که رنگ آن سرخ و زرد و بنفش است) می‌افزاید
۱۱. چو شد چادر چرخ پیروزه رنگ سپاه تباک اندر آمد به جنگ (فردوسی)
همه جام‌ها کرده پیروزه رنگ دو چشمان پر از خون و رخ باده رنگ (فردوسی)

فهرست منابع

- احمدیان، لیلا (۱۳۸۱). بررسی عنصر رنگ و جلوه‌های آن در شاهنامه فردوسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. شیراز: دانشگاه شیراز.
- افشار، مریم (۱۳۹۲). اسطوره و آیین در سینمای بهرام بیضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، بیرجند: دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ابراهیمی، مختار (۱۳۹۹). تحلیل عامل پیش برنده روایت در داستان فریدون شاهنامه فردوسی، پژوهشنامه ادب حماسی (فرهنگ و ادب سابق)، ۱۲ (۳۰): ۳۳-۱۳.
- اشعاری، محمود، آب دانانی، منیره (۱۳۹۸). بررسی ارتباط رنگ با مضمون داستان های شاهنامه فردوسی با رویکرد تحلیل محتوا، هشتمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون حماسی.
- ابوطالبی، الهه (۱۳۷۲). مفاهیم نمادین رنگ ها، بی جا، تهران: اداره پژوهش های اسلامی سیما.
- بلخاری، حسن (۱۳۹۴). کتاب مجموعه مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- پوریایی، آرزو، شایسته فر، مهناز (۱۳۹۹). «آشنایی کلی با مبانی رنگ سازی در هنرهای سنتی ایران (با تأکید بر نسخه های قرون ۴ تا ۶ هجری)»، مطالعات هنر اسلامی، ۱۷ (۴۹۴۰): ۹۱-۱۰۶.
- جعفری، مریم، اشرف زاده، رضا (۱۳۹۲). فرهنگ موضوعی شاهنامه (جلد ۱)، کرمان: دانشگاه آزاد سیرجان.
- جعفرزاده، آذر (۱۳۹۲). رنگ و شیوه های انعکاس آسمان نگارگری مکاتب شیراز و تبریز با مطالعه موردی دو نسخه خاوران نامه ترکمانان و شاهنامه شاه طهماسبی صفویه، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده هنر و معماری.
- حسنلی، کاووس، احمدیان، لیلا (۱۳۸۶). کارکرد رنگ در شاهنامه شاهنامه فردوسی، ادب پژوهی، شماره دوم، ۱۶۵-۱۴۳.
- حسنلی، کاووس، احمدیان، لیلا (۱۳۸۷). باز نمود رنگ های سرخ، زرد، سبز و بنفش در شاهنامه فردوسی. نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، ۲۰ (۲۳): ۵۹-۸۸.
- دزفولیان، کاظم، شاکری، فرهاد (۱۳۸۹). فرامرز و هفت خان، تاریخ ادبیات، شماره ۶۶: ۱۵۵-۱۴۰.
- رجبی، محمدعلی، خوش نظر، سید رحیم (۱۳۸۸). «نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی». تهران: کتاب ماه هنر: ۷۰-۸۵.
- راست پور، مهدیه (۱۴۰۲). پژوهشی بر نگاره نبرد سهراب و گردآفرید در شاه نامه شاه طهماسبی از منظر محتوا و نشانه شناسی، دومین کنگره بین المللی مدیریت، اقتصاد، علوم انسانی و توسعه کسب و کار.
- رضائزاد، محمدرضا، غنی پور ملک شاه، احمد و دیگران (۱۳۹۹). «مقایسه کاربرد رنگ در ادبیات و عناصر بصری نگارگری در دو اثر منظوم خسرو و شیرین و لیلی و مجنون»، نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۳۷: ۱۵-۳.
- شادقزوینی، پریسا (۱۳۸۲). ویژگی های کلی هنر اسلامی در سه شاخه هنری خوشنویسی، تذهیب و نگارگری با نگاه غیب و شهود. فصلنامه مدرس هنر، شماره ۳: ۷۲-۶۱.
- شریفی، علی (۱۳۹۳). «رنگ از منظر قرآن حدیث و روانشناسی»، دو فصلنامه علمی-ترویجی قرآن و علم، ۸ (۱۴): ۱۶۱-۱۸۲.
- صارمی، رضا (۱۴۰۱). رویکرد صفویه به میراث فرهنگی و باستانی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، دانشگاه پیام نور استان اصفهان، مرکز پیام نور اصفهان.
- ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۷۸). سینما و ساختار تصاویر شعری در شاهنامه، تهران: کتاب فرا.
- عزیزمحمادی، مهتاب (۱۴۰۰). بررسی ساختار زیبایی شناسانه نگاره های نسخه مصور مثنوی معنوی موزه هنر والترز آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد، هنرهای تجسمی (هنرهای تصویری) - نقاشی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). شاهنامه بر اساس نسخه ژول مل. تهران: نشر الهام.
- فرید گلسفیدی، امیر (۱۳۸۸). رنگ در بی رنگی: بررسی و کاربرد رنگ و رنگ آمیزی در نگارگری سنتی ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۶: ۶۳-۵۸.
- گریبان، آلن، شوالیه، ژان ژاک (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها: اساطیر، رویاها، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره ها، رنگ ها، اعداد، ج. ۴، تهران: انتشارات جیحون.
- کرین، هانری (۱۳۹۲). تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه سید حسین نصر. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۰). اسطوره و هنر، کتاب ماه هنر، ۵۱-۴۸.
- کریمی، حسین (۱۳۹۲). جنگ روانی در شاهنامه، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور استان فارس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- لازمی، پدram (۱۴۰۱). بررسی تعادل و تناسب فرم و محتوا در شاهنامه فردوسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، زنجان: دانشگاه پیام نور استان زنجان، مرکز پیام نور زنجان.
- مرادی، واحد (۱۳۹۱). بررسی رنگ در اسکندرنامه نظامی و آئینه‌ی اسکندری امیرخسرو دهلوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، ایلام: دانشگاه ایلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- میرزاخانی، منصوره (۱۳۹۰). فرهنگواره هفت پیکر نظامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، مرکز پیام نور تهران، دانشکده ادبیات.
- مومن، محسن (۱۳۹۶). نگاهی به رنگ آمیزی صحنه‌های حماسی در شاهنامه فردوسی، منتشر شده در سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی.
- مریدی، زینب (۱۳۸۹). نشانه‌شناسی مرگ و زندگی در رمان سووشون سیمین دانشور بر پایه‌ی رنگ‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان.
- نیکویخت، ناصر، سید علی قاسم زاده (۱۳۸۴). "زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر با تکیه و تأکید بر اشعار نیما، سپهری، و موسوی گرمارودی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. دوره جدید، ۱۸ (۱۵)، ۲۳۸-۲۰۹.
- نصیری، محمد، افراسیاب پور، علی اکبر و احمدی، فریبا (۱۳۹۷). «نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی». عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، ۱۴ (۵۶)، ۷۱-۵۳.
- وظیفه شناس، محمدجواد (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی توصیف عینی در صحنه‌ها و شخصیت‌پردازی داستان‌های عاشقانه شاهنامه و ویس و رامین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- یزدانی، سمیرا (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی نمادهای بوم و زاغ در منتخبی از نسخ کلیله و دمنه، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته نقاشی ایرانی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا - دانشکده هنرهای تجسمی.